

همه راه‌ها به ری ختم می‌شوند

از جمله این راه‌ها، مسیری بود که از شهر ری به سمت شمال غربی ایران ادامه داشت و پس از گذر از قزوین به شهر شیز، مرکز آذربایجان (ماد آتروپاتن) می‌رسید. این مسیر سپس به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شد به طوری که یکی از شاخه‌ها از طریق آسیای صغیر به بنادر کنار دریای سیاه مانند طرابوزان و سینوپ می‌پیوست و شاخه‌ای دیگر از طریق کردستان به بین‌النهرین و از دره‌های رودخانه فرات به قفقاز می‌رفت.

از ری راه‌های دیگری به سمت شمال و دریاچه خزر امتداد

راه باستانی ری یکی از قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین مسیرهای ارتباطی در ایران باستان، مجموعه‌ای از راه‌های کاروان‌روی تاریخی است که از شهری آغاز شده و به شهرهای مختلفی منتهی می‌شوند. این راه‌ها در دوره‌های مختلف از اهمیت فراوانی برخوردار بودند و برای ارتباط با مناطق مختلف کشور و حتی نقاط فراتر از ایران باستان نقش محوری داشتند. راه‌های این مسیر در طول تاریخ مورد بازسازی و بهینه‌سازی قرار گرفته و حتی در دوره‌های اسلامی نیز کاروانسراها و ایستگاه‌های جدیدی در این مسیرها احداث شده است.



روستاگردی در دشت ری

دشت‌ری که بخش‌های جنوبی و جنوب شرقی تهران و منطقه پاکدشت را در بر می‌گیرد از دیرباز مرکزی مهم در تاریخ ایران بوده است. براساس یافته‌های باستان‌شناسی، سکونت در این دشت به دوران ماقبل تاریخ بازمی‌گردد و بسیاری از تپه‌های باستانی منطقه پاکدشت و ری، نظیر تپه‌های پوئینک و خورین، آثاری از تمدن‌های قدیمی را در خود دارند که به هزاره پنجم پیش از میلاد می‌رسند. سفالینه‌ها و ابزارهای باستانی یافت‌شده، حکایت از فرهنگی غنی و تمدنی پیشرفته در این منطقه دارد.



در جیتو وارد نیکی شوید

کمی آن طرف‌تر از شهری وارد مسیری باستانی می‌شوید که در گذشته‌های دور از زندگی سرشار بود و اکنون تنها چند قلعه و پل قدیمی از آن دوران به جای مانده است.

در جاده امام رضا (ع) مستقیم به سمت پاکدشت که بروید در بخش مرکزی پاکدشت وارد روستای جیتو می‌شوید؛ روستایی با اسمی عجیب که معنی‌اش را تعداد کمی از اهالی می‌دانند. از چندین نفر معنی جیتو را پرسیدیم اما نتیجه‌ای نگرفتیم تا اینکه به پل تاریخی ۴۰۰ ساله در ورودی روستا رسیدیم و درست کنار پل تابلوی دهیاری راهگشا بود. از کارمندان دهیاری معنی نام جیتو را جویا شدیم.

به ریش سفید روستا زنگ زدند و او از پای تلفن برایمان توضیح داد: نام جیتو در اصل به نام جی تو بوده و به معنی وارد شدن به نیکی و شادی است و نشان از روستایی پربرونق در گذشته داشته که در مسیر کاروان‌هایی بوده که از جاده ابریشم عبور می‌کردند.

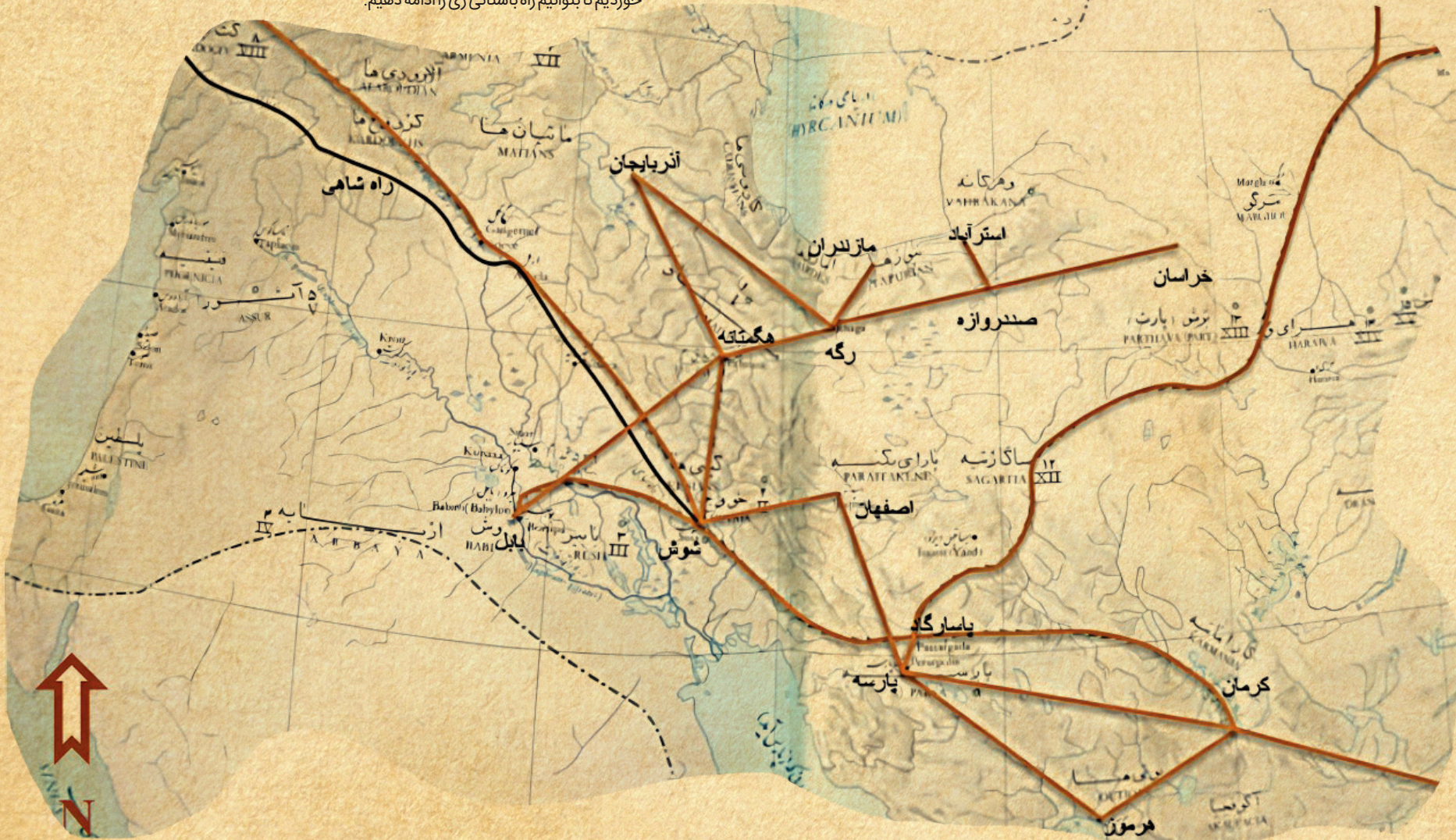
مزارع سرسبز درت اطراف روستا شبیه سکانشی از فیلم «میان ستاره‌ای» است و نیسمی خنک از میان‌شان می‌وزد. روی نقشه به سمت تالابی حرکت کردیم که در نزدیکی روستا بود و در مقصد به گودالی عمیق و تهی از آب رسیدیم که اگر آب داشت چه بهشتی می‌شد. مردی محلی از کنارمان عبور می‌کرد و متوجه نگاه پر از حسرت ما شد و گفت: اگر بارانی مفصل بیارد دوباره زنده و زیبا می‌شود. به سمت روستا حرکت کردیم. در حاشیه مسیرها و خیابان‌های روستا، بساط انواع محصولات محلی و محصولات کشاورزی را می‌بینید که می‌توانید از آنها خرید کنید.

بزرگ‌ترین روستای گلخانه‌ای ایران اینجاست

همسایه پر از گل و گیاه روستای جیتو فیلیستان است. ۳ تپه و آتشفگاه باستانی تاریخ این روستا را به دوران هخامنشیان می‌برد. در گذشته‌های دور فیلیستان مرکز پرورش کرم ابریشم بوده و فیلیستان یا فیلیستان از همان پيله کرم ابریشم گرفته شده و درختان توت فراوان که از برگ‌های آنان برای کرم ابریشم استفاده می‌شده هنوز در روستا موجود است. هر طرف را که نگاه می‌کنید گلخانه است و از کنارشان که رد می‌شوید خنکی مطبوعی صورت‌تان را نوازش می‌کند.

این روستای سرسبز و آرام که در فاصله کوتاهی از پایتخت قرار دارد به‌عنوان بزرگ‌ترین و صنعتی‌ترین روستای گلخانه‌ای ایران شناخته می‌شود. داخل این شهرک‌های گلخانه‌ای طیف گسترده‌ای از گیاهان زینتی، گل‌های خاص و حتی برخی میوه‌های استوایی را پرورش می‌دهند.

و ما وارد نخستین جنگل استوایی ایران شدیم. گرمای استوایی داخل جنگل خنکی بیرون را محو کرد و صدای پرندگان عجیب و غریب فضا را پر کرده بود. با اینکه بعداً متوجه شدیم که صدا ضبط شده است و از پرنده‌ها خبری نیست اما ابتکار جالبی بود و حال و هوای جنگلی را نداعی می‌کرد. دریاچه گل‌های نیلوفر و درختان موز و عطر گل‌های عجیب و غریب در فضا پیچیده بود. البته نام جنگل استوایی کمی برایش اغراق است چون جای بسیاری از درخت‌های استوایی چون پایاپا، نارگیل و آناناس خالی بود ولی میوه پایاپا را به قیمت ۲۰۰ هزار تومان می‌فروختند در نهایت ما به یک بستنی با طعم پایاپا قناعت کردیم و رویش هم یک قهوه داغ خوردیم بد بتوانیم راه باستانی ری را ادامه دهیم.



آرامستان ۲۰۰ ساله مشاهیر ایران

قبرستان ابن بابویه، گورستانی تاریخی و ۲۰۰ ساله در دشت ری و دومین قبرستان بزرگ تهران با وسعت حدود ۱۰ هکتار است. این قبرستان که به‌عنوان نخستین مکان دفن در شهرری شناخته می‌شود، آرامگاه بسیاری از شخصیت‌های برجسته ایران، از جمله جهان پهلوان تختی است. آرامگاه‌های قدیمی و خانوادگی و سنگ قبرهای منحصر به فرد آن جلوه‌ای تاریخی دارند و برخی مورخان، قدمت آن را به دوره ساسانی نسبت می‌دهند.

نام قبرستان ابن بابویه برگرفته از نام محمدبن بابویه، معروف به شیخ صدوق، یکی از فقها و دانشمندان شیعه است که مدفن او در این محل قرار دارد. پیش از زمان ناصرالدین شاه، قبرستان ابن بابویه کشتزار و باغ بسیار وسیعی بود. در پی کشف جسد سالم فردی در سردابی زیر آن باغ و به‌دست آمدن سنگی درون سرداب که آشکارا نشان می‌داد پیکر از آن شیخ صدوق است، بقعه شیخ صدوق را بر آن مزار احداث می‌کنند. در جوار بقعه شیخ صدوق و در فاصله نزدیکی از در ورودی این آرامگاه، بقعه حاج ابوالحسن جلوه (طباطبایی)، حکیم و عالم شیعی قرن سیزدهم، قرار دارد. این بقعه با هشت ستون ساخته شده است و بنایی شبیه به آرامگاه حافظ در شیراز دارد. از افراد مشهوری که در این قبرستان دفن شده‌اند می‌توان به غلامرضا تختی، پهلوان سیدحسین شجاعت، علی اکبر دهخدا، محمدعلی فروغی، رجبعلی خیاط، حسین بهزاد و سرهنگ محمود ایروانی اعظم از مؤسسان مدرسه موسیقی، اشاره کرد.

مزار محمدعلی مظفری، بنیانگذار ریتیم‌خانه‌های مظفری، دکتر سیدحسین فاطمی، شیخ موسی دبستانی، ادیب و عارف معاصر، جواد فاضل، نویسنده و مترجم معاصر و مزار شهدای ۳۰ تیر ۱۳۳۱ شمسی نیز در این مکان قرار دارد.



بازاری در مسیر جاده ابریشم

بازار حضرت عبدالعظیم، بازاری سنتی و تاریخی نزدیک حرم حضرت شاه‌عبدالعظیم در شهرری است که قدمت آن به دوران صفویه می‌رسد و در دوره قاجار نیز بازسازی شده است. این بازار با چارسوق و سقف گنبدی، از غرب به کاروانسرای دوقلو و از شرق به میدانی کوچک می‌رسد. در گذشته، محل فروش محصولات تاجران جاده ابریشم بوده و امروزه انواع کالاها مانند گیاهان دارویی، ادویه، پوشاک و زیورآلات در آن عرضه می‌شود. همچنین کبابی‌ها و رستوران‌های قدیمی در این بازار فعال هستند و محیط مناسبی برای خرید سوغات پس از زیارت فراهم می‌کنند.

